

بسم الله الرحمن الرحيم

گریه سیاسی

تأملی بر ابعاد و آثار گریه بر مصائب امام حسین (ع)

و پاسخ به شبهات آن

چکیده

۱- قیام عاشورا و حرکت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) حماسه‌ای ذوابعاد و دارای جنبه‌های متنوع الهیاتی، اجتماعی، معرفتی و سیاسی و... است. اما در کنار همه این جهات، اشک و گریه عنصر جدانشدنی و عمومی کربلاست که با وجود همه مباحث دقیق علمی و گاه تخصصی، عاشورا برای همه مردم و عاشقان امام حسین (علیه السلام) با گریه عجین شده و به تعبیر امام خمینی (ره) همین گریه‌هاست که اسلام را زنده نگه داشته و به دست ما رسانده است.

۲- امروز مباحث مرتبط با دهه‌ی محرم و عزاداری امام حسین (علیه السلام) در معرض و کانون جنگ شناختی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که صدها سوال، شبهه و ابهام و ایراد در اتاق‌های جنگ شناختی دشمن برای طرح در کف جامعه اسلامی به ویژه در بین نسل نوجوان و جوان تولید و به جامعه پمپاژ می‌شود. بدون تردید، در پاسخ‌دهی به این سوالات و ابهامات، توجه به مقولات و شاخص‌هایی همچون «عزاداری تراز»، «هیئت تراز» و مقابله با سکولارسازی هیئات حسینی و از روح تربیت اسلامی تهی کردن آنها به مثابه متر و معیاری برای فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری نسل کنونی جایگاه ویژه‌ای دارند.

۳- عرفا و اهل دل یکی از موارد سلوک را زیارت و گریه بر امام حسین (علیه السلام) می‌دانند که این نشان می‌دهد گریه بر اباعبدالله در قیام عاشورا جایگاه ویژه‌ای دارد و قابل انکار نمی‌باشد. اما این گریه چند حالت می‌تواند داشته باشد و سوال این است که گریه خاص اباعبدالله کدام گریه است و چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد که این همه مورد تاکید واقع شده و مایه‌ی بقای اسلام و حرکت به سمت اهداف و آرمان‌ها تلقی شده است؟

۴- نگاه عقلانی و نگاه سیاسی به مسائل یعنی نگاه کلی نگر و از افق بالا و راهبردی داشتن. در عزاداری هم این گونه است. توجه داشتن به اینکه کلیت قیام اباعبدالله و مسئله عاشورا چه بوده است؟ امام حسین علیه السلام می‌فرماید، من قیام کرده ام برای امر به معروف و نهی از منکر، برای مبارزه با ظلم، برای اینکه یک آدم فاسق، فاجر، قاتل و شارب الخمر را کنار بزنم.

۵- ما ملت گریه سیاسی هستیم. یعنی ماهیت روضه ما. ماهیت مبارزه، ماهیت فعالیت اجتماعی این ماهیت است که امام فرمود «محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۳۳۰) و اساس اسلام آن انحرافات است که در طول تاریخ می‌خواست به وجود بیاید به وجود نیومد. ظلم و سلطنت تثبیت نشد. در اسلام، اشرافیت تثبیت نشد. در اسلام می‌بینید هنوز بعد از هزار و چهارصد سال تفکراتی وجود دارد که با اشرافیت با ظلم، با تسلط ظالمانه افراد بر دیگران با دیکتاتوری مخالفند.

مقدمه

قیام عاشورا و حرکت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) حماسه‌ای ذوابعد و دارای جنبه‌های متنوع الهیاتی، اجتماعی، معرفتی و سیاسی و... است. اما در کنار همه این جهات، اشک و گریه عنصر جدانشدنی و عمومی کربلاست که با وجود همه مباحث دقیق علمی و گاه تخصصی، عاشورا برای همه مردم و عاشقان امام حسین (علیه السلام) با گریه عجین شده و به تعبیر امام خمینی (ره) همین گریه‌هاست که اسلام را زنده نگه داشته و به دست ما رسانده است.

بحث پیش رو پیرامون «گریه» است که عنوان آن «گریه سیاسی» است. این عنوان بر گرفته از تعبیر حضرت امام خمینی (ره) است که فرمودند: «ما ملت گریه سیاسی هستیم». (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۷) روشن است امام راحل بعنوان رهبر جامعه اسلامی، عالم دینی، فقیه، عارف و فیلسوف تعبیری که بکار برده‌اند فقط شعار نیست بلکه عصاره فهم و استنباط ایشان از دین و مبتنی بر یک پیشینه و مطالعاتی است که به صورت تفکر ناب شیعی درآمده و برای همین است که امام به عنوان متفکر و اندیشمند مهم در جهان تشیع،

حرف‌های قابل تأمل و بررسی دارد. از این رو، شایسته و بایسته است تا معلوم شود پشتوانه الهیاتی این حرف چیست؟

درنگ در این گزاره از آن جهت اهمیت دارد که امروز مباحث مرتبط با دهه‌ی محرم و عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) در معرض و کانون جنگ شناختی دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که صدها سوال، شبهه و ابهام و ایراد در اتاق‌های جنگ شناختی دشمن برای طرح در کف جامعه اسلامی به ویژه در بین نسل نوجوان و جوان تولید و به جامعه پمپاژ می‌شود. بدون تردید، در پاسخ‌دهی به این سوالات و ابهامات، توجه به مقولات و شاخص‌هایی همچون «عزاداری تراز»، «هیئت تراز» و مقابله با سکولارسازی هیئات حسینی و از روح تربیت اسلامی تهی کردن آنها به مثابه متر و معیاری برای فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری نسل کنونی جایگاه ویژه‌ای دارند. لذا در حاکمیت اسلامی تبیین این مسائل ضرورت دارد و دغدغه بسیاری از صاحب نظران دینی است. تبیین این مطلب در گرو آشنایی بیشتر ما با برخی از آموزه‌های مکتب عاشورا و البته مباحثی از پارادایم امامت، حکومت اسلامی و جایگاه سیاست در تفکر شیعه است. امید است این مجموعه در آستانه ورود به ماه خون و عزا و

شور و شعور حسینی مورد استفاده و بهره‌برداری کلیه هادیان، تبیین‌گران و تریبون‌داران تبیین مکتب جهادی امام حسین(ع) قرار گیرد.

اهمیت گریه بر مصائب کربلا

در مسأله عزاداری بر ابا عبدالله الحسین(علیه‌السلام) یک مسئله صد در صد مورد یقین است و آنقدر در مورد آن روایت وجود دارد که به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت و آن مسأله گریه و اشک ریختن برای ابا عبدالله است. روایات متعددی در ثواب و اجر و عظمت گریه بر ابا عبدالله گفته شده است. از جمله روایت معروفی که منسوب به خود حضرت امام حسین(ع) که فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبِرَ؛ مَنْ كَشَتَهُ اشْكُ هَسْتَمُ وَ مُؤْمِنِي مَرَا يَادُ نَمِي كُنْدُ مَكْرًا بِاِغْرِيهِ كَرْدَنُ». (کامل الزیارات، ص ۱۰۸) نشان از اهمیت اشک بر مصائب اهل بیت به ویژه امام حسین(ع) دارد. در زیارت اربعین از امام صادق(علیه‌السلام) تعابیری در مورد امام حسین علیه‌السلام بکار رفته، مانند «قتیل العبرات» (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳) یا در روایت آمده که بر ابا عبدالله گریه کنید و بگریانید، گویای اهمیت و جایگاه مسأله گریه و اشک در مسأله قیام عاشورا است. آن قدر که تباهی، یعنی خود را به گریه زدن و اندوهناک نشان

دادن، هم ثواب دارد و به آن وعده بهشت داده شده است. (کامل الزیارات، ص ۱۰۶) حزن و ماتم احساسی شدن، گره خوردن ماجرای کربلا با احساس و عاطفه و دل، مسأله‌ای غیرقابل انکار است. روایت مشهور امام رضا (علیه‌السلام) به ابن‌شیب هم اهمیت گریه بر عاشورا را نشان می‌دهد. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲)

در طول تاریخ تشیع بعد از کربلا، سیره اهل بیت عصمت (سلام‌الله‌علیهم) این‌طور بود که جلساتی برگزار می‌کردند و بر اباعبدالله گریه و ذکر مصیبت می‌کردند و اشک می‌ریختند. (کامل الزیارات، ص ۱۰۴) این در بطن اصلی عزاداری بر امام حسین علیه السلام وجود دارد و البته حواشی دیگری هم مانند سینه زدن و نذری دادن و موارد این‌چنینی که اینها هم مهم است و به این گریه کمک می‌کند. اما گریه بر اباعبدالله، در سیره علماء سفارشات زیادی و جزء موارد سلوک شمرده شده است،^۱ عرفا و اهل دل یکی از موارد سلوک را زیارت و گریه بر امام حسین (علیه‌السلام) می‌دانند که این نشان می‌دهد گریه بر اباعبدالله در قیام عاشورا جایگاه ویژه‌ای دارد و قابل

^۱ برای نمونه نگاه کنید به کتاب حسینیه که برگرفته از فرمایشات آیت الله حق شناس و آیت الله جاودان است.

که از سوی نشر واژه پرداز اندیشه و با گردآوری مؤسسه ایمان ماندگار منتشر شده است.

انکار نمی‌باشد. اما این گریه چند حالت می‌تواند داشته باشد و سوال این است که گریه خاصِ اباعبدالله کدام گریه است و چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی دارد که این همه مورد تاکید واقع شده و مایه‌ی بقای اسلام و حرکت به سمت اهداف و آرمان‌ها تلقی شده است؟

بخشی از این گریه و محزون بودن می‌تواند جنبه فردی و شخصی داشته باشد که مثلاً فرد در خانه خود یاد اباعبدالله می‌کند و اشک می‌ریزد که حتماً هم تأثیرات لازمه را دارد، اما بحث این نوشتار، هیأت‌ها می‌باشند یعنی بخش عمومی گریه و اینکه با هم و در یک جمع و در جلسات گریه کنیم، که بخشی به قیام عاشورا و حرکت امام حسین (علیه‌السلام) برمی‌گردد. به تعبیر مرحوم آیت‌الله آقا مجتبی‌ی تهرانی قیام عاشورا یک حرکت با ابعاد مختلف است، یعنی دارای بُعد عاطفی، بُعد سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است. (سلوک عاشورایی، ج ۷، ص ۲۹)

وقتی از گریه سیاسی صحبت می‌شود به معنای نفی جنبه‌های فردی نیست، به این معنا نیست آن فرد که تنها گریه می‌کند کار اشتباه و بی‌ارزشی می‌کند بلکه منظور این است که گریه جنبه‌های مختلف و تأثیرات اخلاقی، فردی،

اجتماعی و معنوی دارد و اینک یک جنبه آن مورد بررسی قرار گرفته است و پررنگ‌تر گریه سیاسی به معنای نفی ابعاد دیگر نیست.

از سویی اگر فقط گریه اصل قرار داده شود و فقط گریه هدف باشد، این هم نقص دارد و اگر همه جوانب دقیق بررسی نشود و اصل قیام حضرت اباعبدالله خوب تبیین نشود، گریه‌های زیاد و اشک ریختن موضوعیت پیدا می‌کند، مناسک ظاهری متعدد اضافه می‌شود مثلاً طرف دستمال اشک و ساعت اشک دارد اما «أنا قتیل العبرات» در بعد اجتماعی و هیأت در او نمود پیدا نمی‌کند. گریه با ارزش «گریه‌ای که با توجه باشد، گریه‌ای که با فهم واقعه باشد، گریه‌ای که با فقه حقیقت همراه باشد، نشان انسانیت و نشان فضیلت است؛ و گریه عاملی بود که در روزگار ائمه‌ی ما (علیهم السّلام) از آن به سود اسلام و به سود حقیقت استفاده می‌شد. اصل فلسفه‌ی گریه در اسلام و در شیعه یعنی برای حادثه‌ی کربلا این است؛ گریه برانگیزاننده است؛ گریه تحریک‌کننده است؛ حقایق را نشان‌دهنده است، احساسات را لطیف‌کننده و رقیق‌کننده است و خلاصه، انسان انقلابی را حسّاس‌تر کننده است.» (همرزمان حسین، ص ۲۹۲)

عزاداری در اسلام ناب

در اعتقاد ما، اسلامی از ایران به جهان معرفی می‌شود که امام خمینی (ره) پایه‌گذار آن بودند و از آن به اسلام ناب تعبیر شده، در باب عزاداری هم صدایی از ایران بلند می‌شود که حضرت امام از آن بعنوان گریه سیاسی نام برده‌اند، اسلام ناب که اسلام ضد استکبار، اسلام عدالتخواهی، اسلام مبارزه با سرمایه‌داری، مبارزه با کاخ نشینی است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۵)

عشق به ابا عبدالله علیه السلام در جان مردم رسوخ کرده است و نمی‌شود این را از مردم گرفت و سال‌های سال، بصورت خودجوش و مردمی حفظ شده و نظام اسلامی به آن جهت داده است. در بین عزاداری‌های مختلف، عزاداری که با گریه سیاسی باشد تراز بالایی دارد.

امروزه اگر در عزاداری‌های ما نامی از حاج قاسم سلیمانی، شهداء و مبارزه با آمریکا و ظلم نیاید و اگر مردم‌سالاری در آن بیان نشود و عزاداری ربطی به جمهوریت، عدالت، انتقاد و مطالبه از مسئولین و خدمت به مردم نداشته باشد، این نوع عزاداری عیار بالایی ندارد. یکی از سخنان خطرناکی که از زبان برخی خارج می‌شود این است که هیأت را سیاسی نکنید، بله هیأت

نباید میتینگ جریان‌ات سیاسی بشود اما اینکه هیأت خالی از سیاست شود، خطر بزرگی در وهله اول برای خود هیات و هیاتی‌ها است. عزاداری تراز اهل بیت (ع) و آنچه به نظر ما اهل بیت از آن راضی‌تر هستند، عزاداری‌ای است که آمریکا از آن عصبانی شود، گریه‌ای باشد که مسئول اشرافی یا سرمایه‌دار زالوصفت (به تعبیر امام در منشور روحانیت) از این هیأت ناراحت شود و بترسد. هیأتی که در آن رباخوار و اختلاس‌گر را تحویل بگیرند، هیأت تراز نیست و آن گریه، گریه سیاسی نمی‌باشد.

تعریف و تبیین مفهوم سیاست

معمولاً از آنچه در دولت و حاکمیت سپری می‌شود بعنوان سیاست یاد می‌کنند اما در مجموع سیاست از لغت «سوس» در عرب گرفته شده و به معنای رام شدن اسب است (العین، ج ۷، ص ۳۳۶) و این تعریف یعنی یک مجموعه اقدامات ظریف و عاقلانه و همراه با کنترل، با آموزش و مهارت-هایی است که بتوان با مشکل و معضل پیش‌روی خود برخورد نمود. در اصطلاح هم همین است یعنی در عرصه اقتصاد و سیاست به معنای خاص، یعنی اداره کردن، یعنی روش‌هایی بدانید که بتوانید مشکلات را در مسیر خاص پیش ببرید و رام کنید و بر آن سوار بشوید یعنی استیلا و تسلط پیدا

کردن همراه با تدبیر؛ آدم سیاستمدار، آدمی است که بتواند با روش‌های متفاوت و در زمان و مکان‌های مختلف برای مشکلاتی که مواجه می‌شود راه‌حل ارائه نماید. از این رو تدبیر، مصلحت، اداره کردن، تربیت، عدالت و اعتدال و نوعی عقلانیت در کلمه سیاست نهفته است. در سیاست عنصر مکان و زمان باید لحاظ شود و از پیشینیان خود و تجربه‌هایشان در ظرف زمان و مکان خاص استفاده کنیم.

در کتب فلسفی هم از سیاست با واژه تدبیر استفاده شده، سیاست یعنی تدبیر امور؛ (شرح و تعلیقه صدرالمتألهین بر الهیات شفا، ج ۱، ص ۲۱) بدین معنا که اگر یک نفر مسائل را به درستی تدبیر و طوری چینش نماید که مسیر درست باشد، او یک سیاستمدار است، در غیر این صورت تدبیر ما سیاستمدارانه نیست و مسائل حل نمی‌شود و معضل روی معضل اضافه می‌شود، از این رو «سیاست» مسأله مهمی است. وقتی گفته می‌شود «ما ملت‌گریه‌های سیاسی هستیم»، سیاست دربردارنده همین معنا است. امام در فرمایشات خود دارند که سیاست به معنای حيله و کلاهبرداری به درد نمی‌خورد و سیاست عین عقلانیت و عین دین است ما بنا نداریم از سیاست به عنوان فریب و حيله استفاده کنیم. (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۱)

سیاست در اندیشه امام خمینی، به معنای تدبیر است یعنی همان که در اندیشه فلاسفه اسلامی و فقها آورده شده و در زیارت جامعه کبیره از اهل بیت به عنوان «ساسة العباد» یعنی سیاستمدار یاد شده است. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۶). حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) به معاویه می فرماید من سیاست بلد هستم، اما مثل تو شیطان و اغواگر نیستم^۲ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰)، لذا سیاست مد نظر اسلام، سیاستی است که علاوه بر امور دنیوی، آخرت را نیز اصلاح کند. کسی در باره سیاست از امام حسن علیه السلام پرسید، ایشان در پاسخ فرمودند: «سیاست عبارت از آن است که حقوق خدا و حقوق زندگان و حقوق مردگان را مراعات کنی. اما حقوق خدا، عمل کردن به هر چیزی است که به آن فرمان داده و دوری گزیدن است از آنچه که نهی کرده است. اما حقوق زندگان، انجام دادن کارهای واجبی است که نسبت به برادرانت بر عهده داری و اینکه در خدمت کردن به مردم خود تأخیر روا مداری، و نسبت به ولی امر، تا وقتی که خالصانه به کار مردم می رسد، اخلاص کامل داشته باشی، و هر گاه از راه راست

^۲ وَاللّٰهُ مَا مُعَاوِيَةَ بِأَدْعَىٰ بِيٍّ وَلَكَيْفَ يَنْدُرُ وَيَنْجُرُ وَلَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَذَى النَّاسِ وَلَكِنْ كُلُّ عُدْوَةٍ مُّجْرَمَةٌ وَكُلُّ مُجْرَمٍ مُّجْرَمَةٌ وَكُلُّ عَادِلٍ لَّيْوَةٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَاللّٰهُ مَا اسْتَفْعَلَ بِالْمَكِيدَةِ وَلَا اسْتَفْعَرَ بِالشَّدِيدَةِ

منحرف شد، تو رویش داد بکشی! و اما حقوق مردگان عبارت از این است که از کارهای نیک ایشان یاد کنی و از بدی‌های ایشان چشم‌پوشی، که آنان را پروردگاری است که به حساب‌شان رسیدگی می‌کند. (الحیاء، ج ۶، ص: ۶۲۱).

بنابراین تعبیر «گریه سیاسی» یعنی گریه ما یک روش و راهبردی، یک تدبیر است و منظور این است که در گریه باید تدبیر، دین، عقلانیت، مکان و زمان لحاظ شود. برای سیاسی بودن گریه، ما نمی‌توانیم گریه سال ۱۴۰۲ در جمهوری اسلامی را با گریه‌های صد سال پیش یا گریه شیعیان در بحرین یا پاکستان مقایسه کنیم. برای مثال در شرایط کرونا، خیلی از هیأت‌ها با رعایت پروتکل‌ها و موازین بهداشتی، هیأت را با نظم خاصی برگزار کردند، یعنی شرط زمان را لحاظ کردند. گریه سیاسی کردند و متوجه بودند در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و به شیعه آبرو دادند. از آن طرف کسانی که اهل گریه هستند اما گریه سیاسی ندارند، دست به کارهای عجیب زدند. مزیت حکومت دینی همین است که چنین مشکلات را حل می‌کند و فرق آن با حکومت طاغوتی در همین است که حکومت اسلامی در رأس آن عالم و فقیهی قرار دارد که با شیوه‌ای خاص از شرایط خاص و مشکلات عبور

می‌کند. اگر حکومت طاغوت بود نمی‌شد به این حرف‌ها اعتماد کرد، پس مقابله با حکومت اسلامی معنا ندارد، البته حق انتقاد برای همه وجود دارد. حتی رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی، مراسم هر سال را برگزار نکردند و این تعطیل شدن پیام داشت، هیأت و گریه همان گریه سیاسی است، یعنی من شرایط زمان را می‌فهمم. لذا هیأت‌هایی که داعیه انقلابی ندارند و هیأت‌هایی که با ادراک ناقص خود یا خدایی ناکرده تحت تاثیر اغواگری‌های تشیع انگلیسی اقدامات موهنی مانند قمه‌زنی را ترویج می‌کنند و به توصیه‌ها گوش نمی‌دهند، به بزرگان اهل سنت اهانت می‌کنند، و برهم‌زننده وحدت اسلامی هستند، همین‌ها در دوران کرونا هم اهل رعایت نبودند؛ چون فهم و درکی بایسته و شایسته از سیاست اسلامی و گریه سیاسی ندارند.

یک زمان مانند تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ مردم در خیابان بودند (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۱۱) و هیأت در مسجد و خانه درست نبود و این عزاداری و گریه سیاسی بوده و امسال با این شرایط اگر در خانه یا اماکن خلوت، عزاداری شود، عزاداری و گریه سیاسی می‌شود. لذا بحث مهمی است وقتی امام مطرح می‌کنند ما ملت «گریه سیاسی» هستیم یعنی ما

ملتی هستیم که گریه‌مان با تدبیر و عقلانیت همراه است و بحث احساسی صرف نیست مثلاً با شنیدن داستان رستم و سهراب، داستان سیاوش و کشتار مردم چین هم گریه کنیم این گریه احساساتی است اما بحث گریه بر اباعبدالله فقط بحث احساسات نیست.

پس طبق فرمایش حضرت امام خمینی، عزاداری‌های ما باید مبتنی بر سیاست و گریه سیاسی باشد، مبتنی بر اتفاقات اطرافمان باشد، طوری عزاداری کنیم که با مشکلات تناسب داشته باشد و اما ریشه این حرف کجاست؟ امام که یک فقیه و فیلسوف است بر چه اساسی این حرف را می‌زند؟

آمیختگی سیاست و امامت

وقتی علمای اسلام به کلمه «امام» در کتاب و سنت مراجعه می‌کردند با همه اختلافات در مسائل کلامی، از مفهوم امامت برداشت واحدی داشتند، تعریف آنها از امامت «ریاست عامه بر دین و دنیا» است. (محاضرات فی الإلهیات، ص ۳۲۵) امامت یعنی ریاست هم بر دنیا و هم بر دین، یعنی امام رئیس است و در نحوه انتخاب امام، در اندازه عصمت امام و ولایت تکوینی امام اختلاف وجود دارد.

در الهیات اسلامی، سیاست یکی از نکات اصلی دین است، یعنی در تمام فرق اسلامی، سیاست جزئی از دین می‌باشد و امامت به زندگی مردم گره خورده است، ابن میثم بحرانی (قرن ۷)، مساله رابطه سیاست و نبوت و امامت را از ضروریات عقل می‌داند و می‌نویسد؛ قیام دین با سیاست است و دین بی‌سیاست تمام نیست و یکی از راه‌های اثبات امامت را همین امر می‌داند (النجاة فی القیامه فی تحقیق أمر الإمامه، ص ۷۲) علامه حلی در اثبات امامت استدلال سیاسی دارد، در کتاب می‌فرماید: ما آیاتی داریم خطاب فعل امر در آن، امام است یعنی حدود الهی را امام باید اجرا کند مانند قطع کردن دست دزد یا شلاق زدن فرد زناکار، حدود الهی بحث سیاسی و اجتماعی است. (أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، ص ۲۰۳) برداشت مسلمان‌ها از امامت یک نگاه سیاسی بوده و با تمام اختلافاتی که در جزئیات کلامی و فقهی داشتند، این نگاه مشترک بود که امام باید کار سیاسی انجام دهد. به واقع روشنفکری که امروز دم از سکولاریسم می‌زند، بر خلاف یک روند تاریخی، حرف جدیدی زده که برخلاف ارتکاز دانشمندان و متکلمین مسلمان است.

فلاسفه اسلامی برای اثبات نبوت، استدلال سیاسی می‌آورند؛ ابن‌سینا می‌گوید که انسانها بصورت اجتماعی زندگی می‌کنند و اجتماع دارای تنازعات و تعارض است که در آن به سنت (قانون) احتیاج داریم که آنرا نبی برقرار می‌کند. (النجات، ص ۷۰۹ و الهیات شفا ص ۴۸۸) وقتی عده‌ای می‌گویند سیاست باید کنار گذاشته شود یعنی اسلام باید کنار برود امام فرموده که اسلام تمامش سیاست است (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰). مخالفت با اسلام سیاسی نگاه بودیسمی است که باید در غار تنهایی بود و فقط به مراقبه مشغول بود. حذف سیاست، یعنی حذف نبوت و امامت از اسلام.

اعتقاد مسلمین به خصوص شیعیان این است که یک امام عادل الهی باید در رأس جامعه باشد (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۴۵) و امت از او تبعیت کند و زندگی مسلمین با سیاست گره خورده است یعنی اگر قرار است فردی به معنویات برسد باید کار سیاسی هم انجام دهد، اگر قرار است در آخرت به درجه و مقام بالایی برسد باید به امور سیاسی هم اهتمام داشته باشد. شیعه که ادعای انقلابی بودن دارد، نباید در هیأت فقط از گودال و قتلگاه بگوید؛ چرا که هر جای دنیا می‌تواند این حرف‌ها را بزند،

هیأت سیاسی باید طوری باشد که ترس به جان ظالمان بیندازد، مثلا اگر در انگلیس و بحرین و عربستان این حرف‌ها را بزنند، هیأت را تعطیل می‌کنند.

سیره اهل بیت (ع) و گریه سیاسی

علاوه بر قیام امام حسین (علیه‌السلام)، چند نمونه از گریه به عنوان ابزاری برای ارائه نظر سیاسی و مبارزه در طول تاریخ اسلام می‌توان احصاء کرد؛ اول گریه پیامبر اعظم (ص) بر شهدای احد و جناب حمزه سیدالشهدا و گریه‌ای که در مدینه مردم به خاطر حضرت رسول برای حمزه داشتند. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۳۲) نمونه دیگر گریه‌های معروف حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در بیت‌الاحزان که به یک شکل خاصی گریه کرده و وضع را به گونه‌ای فراهم آورده که رقبا و مخالفین از آن گریه احساس خطر کردند! علامه سید جعفر مرتضی عاملی در این باره می‌نویسد: گریه حضرت فاطمه زهرا (س) تنها برای از دست دادن پدر نبود، بلکه با آن گریه‌ها مردم را به یاد دردها و رنج‌هایی می‌انداخت که حضرت فاطمه زهرا (ص) از هیأت حاکمه دیده بود. (رنج‌های حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ص ۲۷۹)

سیره امام سجاد علیه السلام در شرایط حکم بر آن زمان در مبارزه با بنی امیه از دو سلاح گریه و دعا استفاده کردند، در صحیفه سجادیه، دعای چهاردهم که دعای حضرت علیه ستمگران است یا دعای ایشان زمانی که اندوهناک هستند و موارد دیگر که در مورد گریه از ایشان شنیده‌اند و برای دیگران سؤال بود که چرا امام با این همه سعه صدر گریه می‌کنند (وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۷۸) که حضرت توضیح می‌دهند پدر من را ناجوانمردانه و تشنه کشتند، بچه‌ها و جوان‌های ما را کشتند، لذا گریه‌های امام سجاد علیه السلام بر جنبه فردی، گریه سیاسی بود مانند گریه ایشان در ملاعام که به وضوح دیده می‌شد. (همرزمان حسین، ص ۴۰۵)

امام باقر علیه السلام وقتی شهید شدند، وصیت کردند که ده سال برای من در منا عزاداری کنید، منا محل تجمع حاجیان است. وقتی حضرت فرمودند که تا ده سال برای من عزاداری کنید مسأله این است که یعنی با گریه‌هایتان مبارزه کنید، (همان، ص ۵۷) گریه خانواده امام رضا علیه السلام وقتی به درخواست مأمون به مرو سفر کردند که امام به خانواده گفتند جمع شوید و گریه کنید که من بر نمی‌گردم. پیام آن گریه در آستانه سفر امام این است که مردم و تاریخ بدانید که بر من ظلم می‌کنند (الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص

۳۶۳) و این گریه همان گریه سیاسی است. امام صادق علیه السلام با اینکه در دوران تقیه بودند، باز هم در آن دوران از گریه سیاسی غفلت نکردند. ایشان یاران خود را جمع و به تعزیه و اشک ریختن برای قیام کربلا دعوت می‌کردند.

یکی از جنبه‌های جدی گریه سیاسی، دعای ندبه است. ندبه خود به معنای گریه کردن با صدای بلند می‌باشد، یکی از ویژگی‌های دعای ندبه خواندن آن در اعیادی مانند عید فطر، عید قربان، عید جمعه است، این یعنی در تجمعات خود باید گریه کنید و نابودی ظلم و ظهور امام زمان(عج) را از خدا بخواهید، یعنی در اوج گریه با فریاد و ضجه مبارزه با ظلم، شرک و نفاق را درخواست کنید. در دعای ندبه همه مطالب سیاسی است. ناراحتی ما بنخاطر وجود ظلم و استکبار جهانی است.

لذا وقتی امام می‌فرمایند ما ملت گریه سیاسی هستیم یعنی این نوع گریه در فرهنگ شیعه ریشه‌دار است. امروز هم اگر بخواهیم به سیره ائمه علیهم السلام عمل کنیم باید گریه ما پیام داشته باشد و گریه بر این که یزید پست و امام حسین(علیه‌السلام) حق است، برای همه ثابت شده است و امروز باید مسأله و مطالبه برای حل مشکلات داخلی تا مسائل خارجی مانند

استیفای حقوق مردم یمن و افغانستان هم در هیأت‌ها مطرح شود، اینکه در سرتاسر هیأت در قتلگاه سال ۶۰ هجری بمانیم کانه اتفاقی پیرامون ما نیفتاده و نمی‌افتد، فایده ندارد. فلذا اگر ما به سیره و روش اهل بیت عمل می‌کنیم باید خروجی هیأت طوری باشد که با مشکلات و اتفاقات پیرامون گره عاطفی داشته باشیم و دغدغه ذهنی ما باشد. این گره همان گره سیاسی مدنظر امام خمینی می‌باشد. هیأت باید جنبه مطالباتی برای حل مشکلات داشته باشد. لذا گره سیاسی راه نجات هیأت بلکه کشور است و گره صرفاً احساسی و عاطفی اگرچه آثار معنوی دارد اما ناقص است و باید دنبال راهی برای تکمیل آن باشیم. گره‌های ما یک جنبه سیاسی - اجتماعی و اثرگذار در اجتماع هم باید داشته باشد، یعنی غیر از جنبه عاطفی و احساسی، جنبه سیاسی و اجتماعی نیز لازم است.

گره و ولایت

در اسلام با مفهومی بنام ولایت مواجه هستیم، ولایت تعبیری گسترده دارد. یک فرد با رئیس و بالادست خود تنها همفکر و همراه است اما در مفهوم ولایت، علاوه بر همفکر و همراه بودن، همدلی هم وجود دارد (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۵۵۱) یعنی در ولایت، فکر و مسیر و دل و

همه جنبه‌های مختلف انسانی، یعنی تمام وجود باید در اختیار ولی قرار بگیرد. لذا وقتی از نظر عملی، ولی امر و نهی می‌کند و ما گوش می‌دهیم، از لحاظ اعتقادی هم ممکن است اثبات کنیم که امامت شیعه حق است اما امر مهم این است ما از لحاظ دلی هم دوست داشته باشیم و یکی از راه‌های دوست داشتن همان گریه است، یعنی پیوند عاطفی برقرار کنیم، وقتی یکی از اقوام و خویشان ما بیمار می‌شوند، استرس و ناراحتی و غصه وجود ما را هم می‌گیرد زیرا با او پیوند عاطفی داریم این پیوند عاطفی هم باید با امام وجود داشته باشد که با گریه رقم می‌خورد، لذا فعالیت سیاسی مانند راهپیمایی و سخنرانی، بیانیه صرفاً به تنهایی، کافی نمی‌باشد.

در مفهوم ولایت می‌فرمایند: «یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا»، (امالی طوسی، ص ۴۳۵) یعنی باید یک گرایش و میل و معرفت نسبت به ولی داشت که با حزن و شادی آنها، غمگین و شاد شویم البته نه بصورت نمایشی. مثلاً می‌گویند امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) زمانی که ماه محرم می‌شد، خنده بر لب نداشتند (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۵) این یعنی پیوند عاطفی داشتن. شیعه آن بزرگواران هم باید همین‌طور باشد و از طریق فعالیت سیاسی پیوند عاطفی برقرار کند. در دفاع مقدس آنچه دفاع را

مقدس‌تر و رزمندگان را متفاوت نمود، همین توسلات بود، یعنی پیوند عاطفی داشتند و برای حضرت زهرا و امام حسین علیهما السلام می‌جنگیدند و دوست داشتند شهید شوند و لذا اگر فقط فعالیت سیاسی بی‌عاطفه باشد، این تبعیت از ولی نیست زیرا پیوند عاطفی برقرار نشده است، پس گریه سیاسی باید در رأس باشد. بسیاری از تحركات شیعی در طول تاریخ همین‌طور بود، قیام میرزا کوچک خان جنگلی کاملاً الگو گرفته از قیام کربلا بود، یعنی پیوند عاطفی داشت. لذا سیاستمدار باید دل نرم داشته باشد و این امر را جدی بگیرد. وقتی مقام معظم رهبری بر خود واجب می‌داند در طول محرم و فاطمیه، عزاداری بپا کند، نشان می‌دهد گریه سیاسی و برقراری پیوند عاطفی امر بسیار جدی و مهمی است.

گریه‌های ما در همه مناسبات چه ماه محرم، چه شب قدر یا ماجرای حضرت زهرا سلام الله علیها، سیاسی می‌باشد؛ زیرا جریانات اتفاق افتاده کاملاً سیاسی بود. برخی موارد اگر مداح در هیأت یک شعر سیاسی می‌خواند و از مسئولی انتقاد می‌کند، بر او خرده می‌گیرند و به نوعی حمله می‌کنند که کاملاً اشتباه است و ما نباید خود و هیأت را محدود به قیام کربلا و ماجرای آن زمان کنیم، امروز هم اگر بی‌عدالتی می‌شود باید گفته

شود، علیه ظلم باید مبارزه و انتقاد کرد، و این گریه همان گریه سیاسی مدنظر امام خمینی (ره) است. گریه سیاسی به معنای جناح‌بازی و قبیله‌گرایی نیست. هیأت و هیأتی باید به مسئولین جهت دهد، بنابراین با گریه سیاسی و ترویج آن البته به شیوه درست خیلی از مشکلات حل می‌شود. در برابر انتقاد درست و منطقی سخنران‌ها و مداح‌ها نباید قد علم کرد، هیأت باید مرکز عدالتخواهی و مطالبه باشد. «هیأت، کانون جهاد است؛ جهاد فی سبیل‌الله، جهاد در راه احیای مکتب اهل بیت. هیأت، محلّ جهاد تبیین است.» (امام‌خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۱/۳)

گریه سیاسی، روضه سیاسی می‌خواهد، روضه سیاسی، شعر سیاسی می‌خواهد، شعر سیاسی، آموزش سیاسی می‌خواهد، منبری و مبلغ سیاسی می‌خواهد! اینها سلسله وار هستند. این زنجیره نباید پاره شود چرا که به هیأت آسیب می‌رساند. از این رو یک بخش مهم تبیین با مردم نیست، بلکه با افراد پشت صحنه هیأت‌هاست. باید این امور در هیأت نهادینه شود و همان‌طور که فردی اگر هیأت برود و سینه نزند حس کمبود دارد، اگر در هیأتی از سیاست و عدالت و عزت و امر به معروف و مواسات گفته نشد باید احساس کمبود کرد.

امروز یکی از برنامه‌های گروه‌های جهادی، توسل و گریه است و به یاد اباعبدالله و ظلمی که به ایشان کردند و مردم مظلوم اشک می‌ریزند یعنی همان گریه سیاسی. همین امر در وصیت نامه شهید حاج قاسم سلیمانی هم بروز دارد آنجا که نوشته است: «همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصورِ مظلوم در چنگ ظالم.» (میتناق نامه مکتب حاج قاسم، ص ۸)

آثار گریه سیاسی

نگاه عقلانی و نگاه سیاسی به مسائل یعنی نگاه کلی نگر و از افق بالا و راهبردی داشتن. در عزاداری هم این گونه است. توجه داشتن به اینکه کلیت قیام اباعبدالله و مسئله عاشورا چه بوده است؟ امام حسین علیه السلام می‌فرماید، من قیام کرده‌ام برای امر به معروف و نهی از منکر، برای مبارزه با ظلم، برای اینکه یک آدم فاسق، فاجر، قاتل و شارب‌الخمر را کنار بزنم، (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹) بحث و نابودی اسلام است. من برای عزت طلبی قیام کردم چون ذلت را نمی‌توانم تحمل بکنم. گریه سیاسی یعنی

گریه برای عزت و عدالت، برای مبارزه با ظلم، برای طهارت امت، برای اینکه انسانی مهذب در راس حکومت باشد. جامعه اسلامی می‌توانست امام حسین را در راس داشته باشد اما امت اسلام در بند بنی‌امیه و بند مروان افتاد و این گریه دارد. این گریه دارد که ایران سال‌ها تحت حکومت پادشاهان ظالم و عیاشی بوده است که ملت ایران را عقب انداختند. امام و مردم و نظام جمهوری اسلامی این بساط را به هم ریخت، اما اینکه اجداد ما دو هزار سال آنگونه زندگی کردند، این مصیبت است و گریه دارد.

عزاداری که گریه سیاسی ندارد به‌جای کلی‌نگری به دنبال جزئیات بی‌فایده می‌رود. برای نمونه دغدغه‌اش دامادی حضرت قاسم و سن فرزند حضرت ابوالفضل است. همین تفکر در اشعار شاعران هم بروز پیدا میکند و تمام اشعارش، ناظر به جزئیات کم‌فایده است. نگاهی که به ماجرا دارند این گونه است که گویا اصلاً عزت، عدالت، شجاعت، تعاون مساله ایشان نیست!

حجت الاسلام قرائتی (ر. ک. تفسیر نور ذیل آیه ۲۲ کهف) برای این بحث مثال قرآنی ذکر کرده است. در داستان اصحاب کهف در تعداد افراد آمده است: «گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان

بود!» و گروهی می‌گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی‌دلیل است- و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن!» (کهف ۲۲) یعنی ما نمی‌دانیم اصحاب کهف چند نفر بودند چرا که اصلاً مهم نیست برای اینکه اصل کار اقدام مهمی بود که انجام دادند و چند نفر جوان مجاهدانه از بلاد ظلم هجرت کردند و ادامه ماجرا.

بزرگان و علمای ربانی هنگامی در مورد کربلا سخن می‌گویند همین رویکرد را دارند. مجموعه سلوک عاشورایی آیت الله مجتبی‌ی‌تهرانی همین سیر را دارد، کتاب هم‌زمان حسین آیت‌الله خامنه‌ای با همین نگاه است. مطالعه این آثار موجب می‌شود برداشت از عاشورا، برداشت و راهبردی شود. برای نمونه اینکه امام حسین می‌دانست شهید می‌شود یا نه دراصل ماجرای کربلا و آرمانها و اهداف حسینی تأثیری ندارد. امام خمینی در این رابطه به شدت اختلافات روحانیون در باب کتاب شهید موضع گرفتند و آن

را موجب آرامش شاه و هدر دادن توان نیروهای اسلام خواندند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۳۶ و ج ۸، ص ۵۲۶)

از آن سو هم در بررسی انحرافات عزاداری ها این نکته باید اصل قرار گیرد و درگیر جزییاتی که به اصل عزاداری آسیبی نمی رساند نشد و اولویت به امور مهم و اساسی باشد و بر فروع و حواشی تمرکز نشود. سبک عزاداری در شهر و محلی ممکن است فرق کند تا جایی که به اصل قیام حسینی و دین آسیبی نرساند، این جزییات نباید مورد توجه باشد. در گریه سیاسی تمام ثوابهایی که برای گریه به مصیبت کربلا ذکر شده نصیب انسان می شود و از آن بالاتر ثواب اقامه دین را هم خواهد چشید. شور انقلابی و حماسی انسان را به جهاد و می دارد و این مهم همراه عاطفه و عقلانیت کارکرد هیات تراز است.

هیأت و سکولاریسم؟

اگر فرض کنیم اعتقادات و یقینیاتی که درباره دخالت دین در سیاست وجود دارد را کنار بگذاریم و از آنها چشم پوشی کنیم، آیا طرف مقابل ما کوتاه می آید؟ آیا آن سیاستمدار هم از این که در دین دخالت نکند کوتاه خواهد آمد؟ در بعضی از این کشورهایی که ادعای آزادی دارند و حرف از

سکولاریسم می‌زنند. آن‌چنان دینداران را محدود می‌کنند که خیلی از مناسک دین را نمی‌توانند انجام دهند در بحث اباعبدالله و عزاداری و گریه سیاسی هم همین گونه است. فرض شود گریه سیاسی وجود ندارد. آیا طرف مقابل دست برمی‌دارد؟ خیر او سیاست خودش را به هیأت می‌آورد! پس نباید فریب سخنانی را خورد که ظاهراً دفاع از هیأت و عزاداری است اما در اصل ریشه عاشوا را هدف گرفته است! در طول تاریخ چندین بار حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام تخریب شد چه کسانی دست به تخریب زدند؟ سیاستمدارهایی که می‌گفتند کاری به دین مردم نداشته باشید. خلفای عباسی در دوران تقیه که شیعه آن چنان هم بروز نداشت دستور تخریب را دادند، در این اوضاع هم دست از کار سیاسی خود علیه دینداری نمی‌کشیدند. (الامالی طوسی، ص ۳۲۵) چرا که زیارت امام حسین یک اقدام سیاسی تلقی می‌شده است و گرنه خلفا با آن کاری نداشتند. وقتی این حرم بر پا باشد کار ظلم و ظالم پیش نمی‌رود.

اباعبدالله چرا قیام کرد؟ ایشان فرموده، برای اینکه یزید شارب‌الخمر و قاتل نفوس و فاسق و جائر است (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵). کسی مثل من،

با مثل این آدم بیعت نخواهد کرد. در واقع ایشان قاعده به تاریخ داده است و ماهیت کار ماهیت سیاسی است.

گاه به جای حرم، برخی سعی می کنند با بیان شبهات و انحرافات مرام حسینی را تخریب کنند. غرض این اقدامات هم سیاسی و جلوگیری از عزاداریهای آگاهانه و عاقلانه است از این رو تاریخ را ناقص یا خلاف روایت می کنند تا اهداف حسین در این میان پنهان گردد. پس اگر هیچ حرف سیاسی هم زده نشود طرف مقابل ساکت نمی نشیند و شبهه می اندازد و تحریف می کند.

امروز وقتی دشمنان، ارادت مردم به امام حسین را به چشم می بینند جرات نمی کنند اعلام کنند هیأتها را تعطیل کنید، بلکه کاری که انجام می دهند این است که هیات را از کارکرد اصلی خود تهی می کنند. وارد همان هیات می شوند، منبر هیات را تصرف می کنند، مداح را می سازند تا خروجی هیات مرام حسین و حماسه عاشورا نباشد بلکه یک کارناوال غم و یک تراژدی عاشقانه بی اثر گردد و یک بیان رخداد تاریخی صرف باشد که موجب تخلیه روانی و آرامش هم ممکن است بشود.

ما ملت گریه سیاسی هستیم. یعنی ماهیت روضه ما. ماهیت مبارزه، ماهیت فعالیت اجتماعی این ماهیت است که امام فرمود «محرم و صفر اسلام را زنده نگه داشته» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۳۳۰) و اساس اسلام آن انحرافات است که در طول تاریخ می‌خواست به وجود بیاید به وجود نیومد. ظلم و سلطنت تثبیت نشد. در اسلام، اشرافیت تثبیت نشد. در اسلام می‌بینید هنوز بعد از هزار و چهارصد سال تفکراتی وجود دارد که با اشرافیت با ظلم، با تسلط ظالمانه افراد بر دیگران با دیکتاتوری مخالفند. هنوز از جمهوریت از کرامت سخن گفته می‌شود.

شهید مطهری فریاد می‌زد، شمر هزار و چهارصد سال پیش مرد، شمر امروزت را بشناس (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۹۱). برخی می‌گویند اتفاقاً شمر امروز را کاری ندارم. شمر هزار و چهارصد سال طرف حساب من است که هم اشکم را در می‌آورد و هم می‌توانم بی دردرسر به او ناسزا بگویم. باید دقت شود یکی از اموری که باعث سکولاریسم در هیات‌ها و مجالس عزا می‌شود نگاه تاریخی صرف و افراطی به مسائل است یعنی مسائل را فقط در یک برهه محدود تاریخی فهم کردن و از آن تجاوز نکردن.

ماهیت سیاسی کربلا

در نگاه برخی، هیات سیاسی یا منبری سیاسی یا آخوند سیاسی به‌عنوان یک امر مذموم و ناقص تلقی می‌شود و هنگامی که می‌خواهند از یک هیات خوب سخن بگویند، می‌گویند هیاتی شرکت کردیم که در آن گریه کردیم و سینه زدیم و حرفهای سیاسی در آن زده نشد! این حرف آن قدر عجیب است که گویا کسی بگوید هیاتی رفتم که در آن روضه خوانده نشد! چرا که بیان شد که قیام عاشورا همانگونه که اشک و عاطفه دارد، ماهیت سیاسی هم دارد و گریه سیاسی خود آگاه نمودن این ماهیت است. حتی همین هیات که فقط در آن گریه است یک حداقلی از سیاست را دارد که ماجرای کربلا فی ذاته سیاسی است. به همین دلیل در طول تاریخ منشا تحرکات و قیامهای سیاسی بوده است. اینکه امام خامنه ای فرمود «هیات سکولار نداریم» شاید همین معنا را داشته باشد. (۲۰/۰۸/۱۳۹۲)

وقتی از گریه سیاسی صحبت می‌شود منظور این است این توجه در ما ایجاد بشود که صرف حضور در عزاداری یا راهپیمایی اربعین، یک اقدام سیاسی است که البته باید بدان جهت داد. از این رو ما نه تنها ملت گریه سیاسی هستیم. ما حتی ملت آب‌خوردن سیاسی هستیم چون بعد از نوشیدن

آب مستحب است بر حسین سلام داده شود و یزید لعن شود. (کامل الزیارات، ص ۱۰۶) چرا؟ چون اگر با معرفت این کار انجام شود، هر بار بعد از هر نوشیدن آب عطش شهدای کربلا به یاد می‌آید و اینکه عده‌ای بی‌رحمانه آب را بر این خاندان و اصحابش تحریم کردند و حق اولیه و مسلمی را از ایشان سلب کردند.

ما حتی ملت نماز فرادای سیاسی هستیم! در نماز جماعت مقداری جنبه‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد، اما ما ملت نماز فرادا و نماز مستحب سیاسی هستیم چرا؟ به طور موکد توصیه شده نماز با تربت اباعبدالله خوانده شود و سجده بر این خاک شود. (رساله آموزشی، ج ۱، ص ۱۷۴) چرا؟ همان هنگام که نماز خوانده می‌شود خاک کربلا و در واقع داستان کربلا در مقابل ماست و این ماجرا مرور می‌شود که عزتی بود، نبرد حق و باطلی بود، خیر و شر با هم تقابل کردند و ...

در تمام مناسبت‌های مهم مانند شب قدر، اعیاد اسلامی و روزهای خاص یک عمل ثابت موکد برای آن نقل شده و آن زیارت مزار اباعبدالله است حتی پس از زیارت امیرالمومنین در نجف، سلام به فرزندش وارد شده است یعنی در هر مناسب مهم که قرار است یاد خدا در انسان زنده شود یاد

قیام حسینی هم در کنارش وجود دارد و خواسته یا ناخواسته با این تفکر سیاسی ارتباط برقرار می شود. یا وقتی کودکی به دنیا می آید مستحب است کام او را با خاک کربلا باز کنند.

با گریه سیاسی اینها خودآگاه می شود بعد رشد داده می شود. اگر این کار صورت نگیرد عده ای آن را از محتوا خالی خواهند کرد. امام فرمود یک نوع اسلام، اسلام آمریکایی است، اگر تنقیح مناط شود، در این اسلام، گریه آمریکایی هم وجود دارد. اسلام آمریکایی، اسلام سرمایه داری است. اسلام آخوندهای کثیف درباری، اسلام متحجرین، اسلام، سازش با ابوسفیان‌ها. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹ - ۱۱)

اگر همین ملاکها با گریه تطبیق داده شود. اگر هیاتی باشد، هیات سرمایه‌دارها و اختلاس‌گرها و نزول‌خوارها آنجا گریه هم می کنند و خرج هیات را می دهد، هیات زمین‌خواران و کاخ‌نشینان، آیا در این هیات می توان از ساده‌زیستی و زهد و مبارزه با استکبار و رعایت بیت المال حرف زد؟ اگر گریه سیاسی باب می شد مداحها و منبری‌ها، هر هیاتی حضور پیدا نمی کردند و این گونه هیاتها را تحریم می کردند. به تعبیر دقیق‌تر اگر گریه سیاسی شیوع داشت این افراد جرات برپایی هیات را نداشتند

در همین هیاتها و این گونه تفکرات، معمولا از تطبیق‌های تاریخی فراری هستند و می‌گویند این تطبیق‌ها داده نشود! چرا؟ چون به ضرر خودشان است. در عاشورای سال ۵۷ مردم به درستی این تطبیق را دادند و یزید شارب الخمر قاتل را با شاهی تطبیق دادند که همین خصوصیات در او بود و با قاعده فکری ابا عبدالله مثل حسین با مثل یزید مانند محمدرضا، نباید بیعت کند. لذا آن راهپیمایی‌های عظیم تاسوعا و عاشورا شکل گرفت که حضرت امام از آن تعبیر به رفراندم نمود. البته این تطبیق باید با اصول و قواعد باشد نه آنکه برای ساکت کردن دیگران به آنها انگ زده شود که کاری غیر اخلاقی است. بعلاوه این تطبیق باید با علم و استنباط درست و دور از سهل‌اندیشی باشد در غیر این صورت برخی از کربلا هم درس مذاکره سازش میگیرند! (ن.ک بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان - ۱۵/۰۷/۱۳۹۴)

تاریخ خواندن و در تاریخ ماندن خطرناک است لذا وقتی ماجرای عثمان بن حنیف در نهج البلاغه بیان میشود چرا آن را با امروز تطبیق ندهیم و مسئولی که به جای محرمان، به دنبال سرمایه داران است را رسوا نکنیم؟

جمهوریت و گریه سیاسی

گریه سیاسی خودجوش از دل مردم جوشش می‌کند، برگرفته از علاقه و اعتقاد مردم است و بخشنامه‌ای نیست. در طول تاریخ با وجود انواع حکومتها، مردم خودشان عزاداری کردند و هیات‌ها رو گرداندند و هزینه کردند، خودجوش‌ترین و مردمی‌ترین پایگاه هیاتها هستند.. همیشه در طول تاریخ در سده‌های اخیر خودشان پای کار حسینیه ساختند، تعزیه برپا کردند، لذا اگر این تبدیل شود به یک کار بخشنامه‌ای این خودش لطمه به هیات می‌زند. این اتفاق نباید بیفتد. (ن.ک صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۱)

این وجه مردمی بودن باید حفظ شود مانند آنچه در اربعین اتفاق می‌افتد و تا به امروز در محرم رقم خورده است.

البته دولت و حاکمیت اسلامی وظیفه تسهیل‌گری و نظارت و حمایت بدون دخالت مستقیم را باید انجام دهند. تلالو جمهوریت در هیاتها به خوبی مشاهده می‌شود و این الگوی موفق مردمی را باید در اقتصاد و فرهنگ و مدیریت کشور استفاده نمود، چنانچه در کرونا همین اتفاق افتاد و حضور گروههای جهادی و مردمی کمک بزرگی در ریشه‌کنی آن داشت. اگر تبیین به خوبی صورت گیرد، اگر تبلیغ درست و به موقع انجام شود و به مردم

آگاهی داده شود، خودشان راه را به خوبی پیدا خواهند کرد همین اتفاق که در گسترش دعای عرفه و اعتکاف و اخیراً جشن میلونی غدیر افتاده است. ثمره گریه سیاسی اعتماد به ملت با شعوری است که هر جا حاضر بوده یک معضل اساسی را حل کرده است. همین توفیقات در عرصه‌های گوناگون حتی برقراری امنیت و حل ناهنجاری‌های سیاسی و فرهنگی قابل تحقق است به خصوص آنکه به دلیل انقلاب اسلامی ریشه‌های دینی و معرفتی در مردم عمیق تر شده است.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۶)، الإلهیات من کتاب الشفاء، الإلهیات من کتاب الشفاء، قم
- ۴- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، النجاه، دانشگاه تهران، تهران
- ۵- ابن قولویه، محمد بن جعفر (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، المرتضویه، نجف
- ۶- ابن راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم
- ۷- بحرانی، ابن میثم (۱۴۲۷)، النجاه فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامة، مجمع الفکر الإسلامی، قم

- ۸- تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۱)، سلوک عاشورایی، مصابیح الهدی، تهران
- ۹- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم
- ۱۰- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
- ۱۱- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳)، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، الشریف الرضی، قم
- ۱۲- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صهبا تهران
- ۱۳- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶)، هم‌زمان حسین، انقلاب اسلامی، تهران
- ۱۴- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، رساله آموزشی، انقلاب اسلامی، تهران
- ۱۵- خمینی، سید روح الله، صحیفه امام (۱۳۸۵)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
- ۱۶- سبحانی، جعفر (۱۴۲۸)، محاضرات فی الالهیات، موسسه امام صادق(ع)، قم
- ۱۷- سلیمانی، قاسم (بی تا)، میثاق نامه مکتب حاج قاسم، موسسه مکتب حاج قاسم، تهران
- ۱۸- شیرازی، صدرالدین (۱۳۸۲)، شرح و تعلیقه صدر المتالیهین بر الهیات شفا، بنیاد حکمت صدرا، تهران
- ۱۹- طبری، ابوجعفر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الطبری، دار التراث، بیروت
- ۲۰- طوسی محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی، دار الثقافه، قم
- ۲۱- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران
- ۲۲- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۷۸)، رنجهای حضرت زهرا (سلام الله علیها)، نشر ایام، قم

- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، هجرت، قم
- ۲۴- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت
- ۲۶- مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۳)، زاد المعاد، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت
- ۲۷- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار ۱۷، صدرا، تهران
- ۲۸- <https://farsi.khamenei.ir/>